

# **A Comparative Analysis of Postmodern Thought in the Afshin and Boudalaf Story with the Approach of the Iranian and French Legal Systems**

**“History is on the right path; It is not permissible in history to destroy, distort, appreciate, and squander”**

**”Khwaja Abulfazl Bayhaqi”**

## *Abstract*

History Beyhaqi is one of the prominent texts in the field of Persian history and literature; which narrates real literary and social historical events. Beyond the narrative of "Afshin and Boudalf", Bayhaghi explains a specific structure of the criminal atmosphere of the Ghaznavid era in the form of a documentary story, focusing on the institutions of criminal justice. Through its study, one can get new criminological theories about crime and its etiology. In these theories, the crime and the recognition of the effective factors in it do not take place independently of values and interests, and the element of power is used against people. In addition, crime does not necessarily exist in the world of reality; Rather, it is these influential and powerful people who build it. Crime is the product of the use of power by the ruling classes to constrain the behavior of those excluded from power. Postmodern criminology questions the classical and traditional monolithic readings of crime. It believes that law and law itself are reflections of the discourse, dominant language, and ideology of the ruling political group, which are used to suppress groups that are politically inferior. Accordingly, in addition to the element of power, subjectivism, rather than objectivism, plays an important role in explaining crime. There is no objective truth, and interpretations and meanings of behavior are merely the product of a linguistic, abstract, and mental game that has no reality in the outside world. Linguistic systems are always organized in a way that supports certain groups and ideas and marginalizes other groups. In this article, the author, using the comparative analysis method, attempts to explain "Afshin and Boudalaf" affair from the perspective of postmodern criminology in the legal systems of Iran and France, referring to the valuable and great work of Beyhaqi history. This study shows that in this historical event, the manifestations of this theory such as structural factors of

delinquency, power, racism, ethnic discrimination and peaceful discourses have been emphasized.

**Keywords:** *Beyhaqi history, Afshin and Boudalaf affair, post-modern criminology, power, discourse*

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

# واکاوی تطبیقی تفکر پست‌مدرن در حکایت افشین و بودلف با رویکرد نظام حقوقی ایران و فرانسه

«تاریخ بر راه راست رود؛ که روا نیست در تاریخ تخسیر و تحریف و تقدیر و تذبذب کردن»  
«خواج‌آقا ابوالفضل بیهقی»

## چکیده

تاریخ بیهقی یکی از متون برجسته در گستره تاریخ و ادبیات فارسی است؛ که به نقل حوادث تاریخی واقعی ادبی و اجتماعی می‌پردازد. بیهقی در ورای روایت «افشین و بودلف» با تمرکز بر نهادهای عدالت کیفری، ساختار مشخصی از فضای کیفری عصر غزنویان را در قالب داستانی مستندگونه تبیین می‌کند. که از رهگذر مطالعه آن می‌توان به نظریه‌های نوین جرم‌شناسی پیرامون جرم و علت-شناسی آن دست یافت. در این تئوری‌ها جرم و شناخت عوامل مؤثر در آن فارغ از ارزش‌ها و منافع صورت نمی‌پذیرد و عنصر قدرت آن را علیه افراد به کار می‌گیرد. به علاوه جرم لزوماً در عالم واقعیت وجود ندارد؛ بلکه این افراد صاحب نفوذ و قدرتمند هستند که آن را برمی‌سازند. جرم محصول استفاده از قدرت توسط طبقات حاکم برای محدود کردن رفتار افرادی است که از قدرت کنار گذاشته شده‌اند. جرم-شناسی پست‌مدرن خوانش‌های تک‌ساختی کلاسیک و سنتی از جرم را زیر سؤال می‌برد. و بر این باور است که حقوق و قانون خود، بازتاب‌گفتمان، زبان مسلط و ایدئولوژی گروه سیاسی حاکم است که در راستای سرکوب کردن گروه‌هایی که از لحاظ سیاسی در موقعیت پایین‌تری قرار دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس علاوه بر عنصر قدرت، ذهنیت باوری به جای عینی‌گرایی نقش مهمی در تبیین جرم دارد. هیچ حقیقت عینی در کار نیست و تفسیرها و معانی رفتارها، صرفاً ساخته بازی زبانی، انتزاعی و ذهنی هستند که در عالم بیرون واقعیت ندارند. نظام‌های زبانی همواره به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که از گروه‌ها و ایده‌های خاصی حمایت می‌کند و گروه‌های دیگر را کنار و به حاشیه می‌راند. نویسنده در این مقاله با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، تلاش دارد با اشاره به اثر ارزنده و بزرگ تاریخ بیهقی ماجرای «افشین و بودلف» را از دیدگاه جرم‌شناسی پست‌مدرن در نظام حقوقی ایران و فرانسه تبیین کند. این

بررسی نشان می‌دهد که در این ماجرای تاریخی بر جلوه‌هایی از این تئوری همچون؛ عوامل ساختاری بزهکاری، قدرت، نژادپرستی، تبعیض قومیتی و گفتمان‌های صلح‌جویانه تأکید شده است.

*کلیدواژه: تاریخ بیهقی، ماجرای افشین و بودلف، جرم‌شناسی پست‌مدرن، قدرت، گفتمان*

## مقدمه

جرم‌شناسی پست‌مدرن شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی معاصر است که تحت تاثیر اندیشه‌های فیلسوفان فرانسوی به وجود آمد و با تمرکز بر گفتمان و قدرت در علت‌شناسی جنایی به رد علت‌شناسی‌های علمی می‌پردازد. جرم‌شناسی فوق‌قرائتی جدید از حقوق کیفری است که با تکیه بر عوامل ساختاری بزهکاری همچون نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و قدرت؛ تأکید بر ایجاد گفتمان‌های جایگزین و صلح‌جویانه می‌نماید و جرم را ناشی از زبان، گفتمان‌ها و نابرابری در توزیع قدرت در جامعه می‌داند.

تاریخ بیهقی اثر بزرگ خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی ( ۳۸۵ \_ ۴۷۰ ه.ق) دبیر فاضل و فرزانه دربار سلسله غزنویان است. حکومت ترک‌تبار غزنویان از سلسله‌هایی است که نقش مهمی در تاریخ ایران داشته است. ابوالفضل بیهقی از دبیران دیوان رسالت غزنویان بوده که به بسیاری از اسناد دسترسی داشته و از حوادث و رویدادهای گوناگون اطلاعات فراوانی کسب نموده است. از این حیث وی راوی روایت‌های حاکمیت این دوره است که به نحوی زیرکانه واقعیت‌ها را آشکار می‌سازد و آنها را در بوتۀ نقد قرار می‌دهد و با هدفی خاص به توصیف دقیق شخصیت‌ها و روابط آن می‌پردازد. بیهقی همواره در گفتمان خود «سلطه» و «قدرت» را باز تولید می‌کند و بسیاری از سیاست‌های حکومت غزنویان و شخص مسعود آرا به نحو زیرکانه و غیر مستقیم برملا می‌کند.

۱ - دبیرخانه یا دارالانشاء سلطنتی، دیوان مکاتبات یا رسادل در دوران محمود و مسعود غزنوی.

۲ - مسعود غزنوی پسر محمود غزنوی است که بعد از محمد(برادرش) در سال ۴۲۱ ه.ق. به قدرت رسید.

امروزه صرف بیان رویدادها و حوادث تاریخی برای اندیشمندان و مورخان کافی و وافی نیست؛ بلکه چراها و علت‌ها و تحلیل از تاریخ ارزشمند است. در تحلیل و بیان علت‌ها باید به «کنش اجتماعی» افراد توجه نمود تا تاریخ جنبه کاربردی داشته باشد. بیهقی در برخی از رویدادها خود شاهد ماجرا نبوده و آن‌ها را از زبان افراد ثقه نقل می‌کند. اما این وقایع هیچ تفاوتی با آنچه او به چشم خود دیده ندارد و این بیانگر هنرمندی بی‌نظیر بیهقی است.

فصل ششم از جلد اول کتاب تاریخ بیهقی به ذکر ماجرای «افشین و بودلف» می‌پردازد. این حکایت یکی از زیباترین داستان‌های تاریخی است؛ که درون‌مایه حقوقی دارد. در این داستان؛ افشین<sup>۱</sup> اسروشنی عجمی کمر به قتل یکی از سرداران عرب یعنی ابودلف قاسم بن عیسی عجلی<sup>۲</sup> بسته است.

افشین سردار ایرانی توانست بابک خرم‌دین<sup>۳</sup> را اسیر کند و در اختیار معتصم<sup>۴</sup> بگذارد. پس از پیروزی افشین بر بابک، معتصم افشین را تاج داد و او را ولایت دار سند کرد و شاعران به نزد افشین رفتند و ستایش او را گفتند... (طبری، ۱۳۶۹: ص ۱۳). یک شب احمد بن ابی دؤاد<sup>۵</sup>، ناگهان از خواب برمی‌خیزد و به گونه‌ای غیر منتظره به قصر خلیفه می‌رود و خلیفه به او می‌گوید بودلف قاسم بن عیسی عجلی از سرداران عرب را در اختیار افشین گذارده تا هر کاری با او می‌خواهد بکند. و در ادامه معتصم از احمد می‌خواهد نزد افشین برود و مانع

---

۱ - از سرداران ایرانی سپاه معتصم و از اهالی اسروشنه در ماوراءالنهر بوده است. وی در سال ۲۲۱ه.ق به دستور معتصم مأمور دفع «بابک خرم‌دین» شد.

۲ - قاسم بن عیسی بن ادریس مکنی به ابودلف و مشهور به عجلی از خاندان بنی‌عجل و امیر کرخ، یکی از سرهنگان مأمون و معتصم.

۳ - رهبر قیام خرم‌دینان آذربایجان بود که ۲۰ سال علیه عباسیان جنگید و سرانجام به دستور خلیفه عباسی تکه‌تکه شد.

۴ - ابواسحاق محمد ملقب به معتصم بالله، خلیفه عباسی، برادر مأمون (۲۱۸-۲۲۷ه.ق).

۵ - احمد بن ابی دؤاد؛ قاضی مشهور و از امامان معتزله (متوفی به سال ۲۴۰ه.ق). در اخبار الطوال درباره دشمنی احمد بن ابی دؤاد و افشین گفته شده که اسحاق بن خلف، شاعر، درباره پیروزی افشین قصیده‌ای سرود و در آن خطاب به خلیفه گفت: «افشین سزاوارتر کسی بوده که تاج تو بر سرش درخشیده». احمد به علت همین مدح کینه افشین را به دل گرفت و پس از مدتی پیشنهاد قتل او را به معتصم می‌دهد (کرمی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۳).

کشتن بودلف شود. احمد به خانه افشین می‌رود و با اصرار و التماس از افشین می‌خواهد که بودلف را ببخشد. چون نتیجه‌ای نمی‌گیرد، به دروغ می‌گوید: خلیفه گفته حق کشتن بودلف را ندارد. افشین به ناچار دست از کشتن بودلف برمی‌دارد. احمد بی‌درنگ به قصر خلیفه می‌رود تا حقیقت ماجرا را بگوید. اما افشین سر می‌رسد و احمد نمی‌تواند چگونگی ماجرا را بازگوید. اما معتصم جانب احمد را می‌گیرد و به سختی افشین را می‌نکوهد. پس از مدتی با تحریک احمد، به فرمان خلیفه، افشین از میان می‌رود<sup>۱</sup> (ر.ک. بیهقی، ۱۳۷۵: صص ۲۲۶-۲۲۰).

چنان‌که ملاحظه می‌شود درون‌مایه‌های «جرم و جنایت» در قدیمی‌ترین داستان‌ها و اسطوره‌های بشری وجود دارد و در معنای دقیق‌اش مقوله‌ای مطلقاً مدرن است. بیهقی در این حکایت به کشتن افشین به دستور خلیفه اشاره و علل آنرا به روشنی بیان می‌نماید که خود بازتابی از آموزه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن است. از این رو ادبیات و جرم‌شناسی پیوند ناگسستنی دارند؛ چراکه هر دو به کاوش در زرفای رفتارهای انسانی و انگیزه‌های پیچیده پشت اعمال مجرمانه می‌پردازد.

بیهقی با توجه به مقام و جایگاهی که در قدرت سیاسی و حکومتی آن زمان داشت؛ به صورت مستمر به مسائل جامعه و نابهنجاری‌های آن از منظر علوم مختلف می‌پردازد. از این رو دغدغه‌های او از منظر جرم‌شناسی واجد اهمیت است. بیهقی با تمرکز بر علت‌های اجتماعی جرم از رهگذر جرم‌شناسی اوضاع و احوال حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی

---

۱ - نکته قابل توجه این است که در آثار تاریخی مهمی نظیر تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال، تاریخ الامم و حتی تاریخ کامل ابن اثیر، هیچ اشاره‌ای به داستان «افشین و بودلف» نشده است. تنها به دلیل خشم معتصم از افشین، به مسائلی چون ارسال اموال و سلاح، ادعای تحریک خراسانیان و به ویژه تحریک مازیار علیه خلیفه از سوی افشین، و تشویق معتصم توسط احمد بن ابی دؤاد برای از بین بردن افشین پرداخته شده است. تنها کتابی که این داستان را به تفصیل روایت کرده، «فرج بعد از شدت» است. این کتاب مجموعه‌ای از حکایت‌های عبرت‌آمیز است. اصل کتاب عربی بوده و به وسیله قاضی محسن تنوخی متوفی به سال ۳۸۴ ه. ق نوشته شده است. ترجمه فارسی آن به وسیله حسین بن اسعد دهستانی در میانه سال‌های ۶۵۰-۶۵۱ ه. ق نوشته شده است. این نشان می‌دهد که این ماجرا پیش از عصر بیهقی بوده است و به احتمال زیاد منبع ابوالفضل بیهقی متن تازی کتاب فرج بعد از شدت بوده است (کرمی، ۱۳۸۹: ص ۸۴).

بزهکاران را رصد کرده و به دقت دنبال می‌کند. مضامین و مفاهیم داستان همسو با یافته‌های جرم‌شناسی در عصر پست‌مدرن است این در حالی است که این علم از بدو پیدایش از دستاوردهای سایر رشته‌ها یاری می‌جست اما ماهیت مستقل دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ص ۹۶۵). آموزه‌های این شاخه جرم‌شناسی خارج از قلمرو جامعه انسانی مفهومی نداشته و با رویکرد مشخص در اثر تعامل و ارتباط با ساختارهای مختلف جامعه پدیدار می‌شوند.

جرم‌شناسی پست‌مدرن در مورد بسیاری از مباحث کلیدی جرم‌شناسی مانند انسان، جامعه و ساختارهای اجتماعی، قانون و جرم، تحلیل‌هایی را ارائه کرده است. در این پژوهش تلاش گردیده تا به توصیف و تحلیل خوانش این جرم‌شناسی از جرم و علت‌شناسی جنایی در حکایت «افشین و بولف» پرداخته شود.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که حکایت «افشین و بولف» تا چه اندازه با یافته‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن هماهنگی دارد؟ برای یافتن پاسخ با روش تحلیل محتوا و با استفاده از: ۱. تحلیل ساختاری داستان (بررسی دیالوگ‌های کلیدی) ۲. رویکرد بینامتنی و ارتباط بافت تاریخی و اجتماعی؛ ابتدا مبانی و انگاره‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن مطالعه و سپس با همان رویکرد مفهوم جرم و علت‌شناسی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ حکایت «افشین و بولف» از یک سو با استفاده از گفت‌و-گوهای دو یا چندجانبه و ترسیم فضاها و صحن‌های روابط اجتماعی به بازنمایی مفاهیم جرم‌شناسی پست‌مدرن پرداخته است. و از سوی دیگر در حکایت فوق محتوای بسیاری از اندیشه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن در قالب شخصیت پردازی و دیالوگ‌های تجسم یافته است.

## پیشینه تحقیق

در مورد تاریخ بیهقی و ماجرای «افشین و بودلف» پژوهش‌هایی تاکنون انجام شده است. پژوهش‌های صورت گرفته عمدتاً درباره مطالب ادبی، بررسی ساختار داستان، سبک‌شناسی و شخصیت‌شناسی محدود شده است؛ به طور مثال؛ می‌توان به: «بررسی تحلیلی حکایت‌های تاریخی بیهقی (کرمی، ۱۳۸۹)؛ «بیهقی پژوهی در ایران» (رضی، ۱۳۸۷) و همچنین مقاله «مقایسه شگردهای داستانی در روایت بیهقی و تنوخی از ماجرای افشین و بودلف» (حسام پور، ۱۳۹۰)، و نیز «داستان وارگی تاریخ بیهقی» (رضی، ۱۳۸۲) اشاره کرد. در میان پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز می‌توان «تحلیل قدرت در تاریخ بیهقی با رویکرد حقوقی» (همتی فارسانی، ۱۳۹۳) را نام برد. اما مطالعه و مرور آنچه درباره بیهقی نگاشته شده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در زمینه جرم‌شناسی نوین فراهم نشده یا اگر هم شده بسامد آن اندک بوده است.

### رویکرد جرم‌شناسی پست‌مدرن

در یک تقسیم‌بندی تاریخی، نظریه‌های جرم‌شناسی را می‌توان به سه دسته کلاسیک، اثباتی و انتقادی تقسیم کرد. رویکرد علمی به جرم از قرن ۱۸ میلادی با مکتب کلاسیک آغاز شد. اما در قرن ۱۹، این مکتب با چالش‌هایی از سوی مکتب اثبات‌گرایی و نظریه‌های مدرن جرم‌شناسی مواجه گردید.

در دهه ۱۹۷۰، با ظهور جرم‌شناسی انتقادی، نظریه‌های جدیدی شکل گرفت که محور اصلی آن‌ها به قدرت، ساختار اجتماعی و فرهنگی و گفتمان مربوط می‌شود. رویکردهای برچسب‌زنی، تضاد، پست‌مدرن، فمینیستی و جرم‌شناسی فرهنگی از جمله مهم‌ترین رویکردهای انتقادی جدید در تحلیل جرم به شمار می‌روند. ظهور پست‌مدرنیسم و اندیشه‌های مرتبط با آن در جرم‌شناسی در اوایل دهه ۱۹۹۰، در شرایطی که از تفکر مدرنیستی و روشنگری دلسردی وجود داشت، مطرح شد (McLaughlin & Muncie,

(2001:p216). از منظر تبارشناسی، اصطلاح پست‌مدرنیسم<sup>۱</sup> در آثار مختلف علمی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال؛ نظریه ساخت‌گرایی<sup>۲</sup> برگر و لاکمن<sup>۳</sup>، جامعه‌شناسی پدیدارشناسی<sup>۴</sup> شوستن<sup>۵</sup>، ساخت‌یابی<sup>۶</sup> گیدنز<sup>۷</sup>، بازی‌های زبانی<sup>۸</sup> ویتگنشتاین<sup>۹</sup>، تبارشناسی<sup>۱۰</sup> میشل فوکو<sup>۱۱</sup> و فراواقعیت<sup>۱۲</sup> بودریار<sup>۱۳</sup>. همگی در ادبیات جرم‌شناسی پست‌مدرن به کار رفته و به تدریج موجب تحول این حوزه شده‌اند.

جرم‌شناسی پست‌مدرن نیز در توجیه و تحلیل مفهوم جرم، به شدت تحت تأثیر آموزه‌های پائولین مری روسنائو<sup>۱۴</sup> در کتاب «پست‌مدرنیسم و علوم اجتماعی»<sup>۱۵</sup> قرار دارد. پست‌مدرنیست‌ها به جای حقیقت مطلق، به نظریه‌هایی جایگزین و پراکنده توجه داشته و بر انواع مشخصی از روایت‌های خرد تأکید می‌کنند. برای نمونه، روایت‌های سنتی مانند ضرب‌المثل‌ها، حکمت‌ها، افسانه‌ها، داستان‌های دلنشین، تخیلات ادبی، و همچنین پذیرش عناصر تناقض و نسبیّت در این چارچوب جایگاه خود را دارند (روسنائو، ۱۳۸۱: ۱۴۶). جرم‌شناسان پست‌مدرن وجود پدیده جرم را به طور کامل انکار نمی‌کنند، بلکه ضمن رد

---

۱ - اصطلاح پست‌مدرن به‌عنوان مشخصه‌ای برای تمایز دوران معاصر از دوره مدرن در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد این عبارت نخستین بار در سال ۱۹۱۷ توسط فیلسوف آلمانی، رودلف پانویتس (Rudolf Panowitz)، به کار گرفته شده باشد. او از این واژه برای توصیف نیهیلیسم یا پوچ‌انگاری فرهنگ غربی در قرن بیستم استفاده کرد، مفهومی که ریشه در اندیشه‌های نیچه داشت (رشیدیان، ۱۳۹۰: ۳). این اصطلاح را نمی‌توان در چند کلمه ساده تعریف کرد، چرا که این کار به نوعی ایجاد محدودیت می‌کند، و تفکر پست‌مدرن از هر نوع محدودیت و قالب‌بندی رهاست. مفهوم اصلی تفکر پست‌مدرن بر نقد کلیت و جهان‌شمولی، پذیرش عدم قطعیت، و تأکید بر بازی‌های زبانی متنوع و ناهمگون بنا شده است.

- 2 - Social Constractionism
- 3 - Berger & Luckmann
- 4 - Phenomenological Sociology
- 5 - Schute
- 6 - Structuration Theory
- 7 - Giddens
- 8 - Language game
- 9 - Wittgenshtien
- 10 - Genoeology
- ۱۱ - Michel Foucaut
- 12 - Hyperleality
- 13 - Jaen Boudrillard
- 14 - Pauline Marie Rosenau
- 15 - Postmodernism and social sciences

رفتارهایی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها به عنوان جرم تلقی شده‌اند، معتقدند که بسیاری از آسیب‌ها موقتی، زودگذر و قابل تغییر هستند (Bak, 1999: 17).

جرم‌شناسی پست‌مدرن به رغم انتقادی بودنش، در مقایسه با دیگر رویکردهای انتقادی جرم‌شناسی در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. این رویکرد در تحلیل پدیده‌های مجرمانه، جرم و علل جنایی را به یک ساختار اجتماعی و سیاسی مرتبط می‌داند و به بررسی ساختارهای سیاسی و اجتماعی مربوطه می‌پردازد. همچنین بر این باور است که جرم از طریق فرآیندهای تعامل و قدرت شکل می‌گیرد (Muncie, 2004: p145). پست‌مدرنیسم دارای ویژگی‌هایی پیچیده، انتزاعی و میان‌رشته‌ای است که این امر باعث شده تا درک و تعریف آن تا حدی دشوار گردد. (Longstreet, 2003: p11\_15)

در جرم‌شناسی پست‌مدرن، انسان‌ها به عنوان سوژه‌های فعال در ایجاد دنیای خود با دیگران شناخته می‌شوند. این جهان به طور همزمان به واکنش می‌پردازد و هویت «خودسوژه» را نیز شکل می‌دهد (McLaughlin' & Muncie, 2001: p 50)

در این نظریه، جرم به عنوان یک مفهوم نسبی در نظر گرفته می‌شود که ناشی از شرایط زمانی و اجتماعی است. برای درک علل جرم، باید به تحلیل سیستم پیچیده روابط اجتماعی پرداخت. این مکتب بر نسبی بودن مفاهیم اخلاقی و حقوقی تأکید دارد و بر این باور است که ساختار ارزش‌ها در طول زمان دستخوش تغییر می‌شود و به شدت تحت تأثیر بافت فرهنگی نظام‌های ارزشی قرار دارد (Druzin, 2012: pp41\_56)

بررسی ماجرای «افشین و بودلف» در تاریخ بیهقی نشان می‌دهد؛ که شرایط اجتماعی، سیاسی و دینی عصر غزنوی بازتابی از آموزه‌های الهام بخش جرم‌شناسی پست مدرن و مولفه‌های آن است. در این دوره حکومت، استبدادی و موروثی بود. حاکم آنچه اعطا می‌نمود؛ به راحتی به دلایل سیاسی می‌توانست پس بگیرد. جرم‌انگاری‌ها مبهم و به اصطلاح «عدالت کور» حاکم بود (همايون کاتوزیان، هم ۱۳۷۶، ص: ۲۷۰). با عنایت به آسیب‌شناسی و علت‌شناسی جرم‌شناسانه حکایت «افشین و بودلف» می‌توان گفت؛ در این

ماجرای نوعی بازاندیشی در مفهوم و علت جرم مشاهده می‌شود که در ادامه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## ۱. بازتاب جرم‌شناسی پست‌مدرن در حکایت افشین و بودلف

### ۱-۱. جرم؛ برساخته قدرت

در متون جرم‌شناسی، جرم به معنای فعل یا ترک فعل عمدی است که به نقض قوانین کیفری منجر می‌شود و بدون هیچ‌گونه توجیهی انجام می‌گیرد و از سوی حاکمیت با مجازات مواجه می‌شود (Henry & Milovanovic, 1996: p 99). برخی از تعاریف جرم بر اساس مفروضات مدرنیستی درباره جامعه شکل گرفته‌اند و جرم را به عنوان «برساخت اجتماعی» تلقی می‌کنند که به منظور تأمین منافع افراد قدرتمند ایجاد شده است<sup>۱</sup>. معتقدند قواعد و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی قراردادی هستند و جرم فاقد مفهوم عینی است (Lanier & Henry, 2004: p 318). طبقه حاکم برای مشروعیت بخشی به تصمیم‌ها، مدلل و موجه جلوه دادن ایدئولوژی خود آن هنجارها را می‌سازند. آنچه اهمیت دارد این است که در نظر آنان چه چیز باید رد و انحرافی اعلام شود (صادقی، ۱۴۰۴: ۱۳۷).

از دیدگاه جرم‌شناسی پست‌مدرن، جرم صرفاً یک واقعیت عینی تلقی نمی‌شود، بلکه از طریق روابط و شبکه‌های قدرت تعریف و شکل می‌گیرد. در این نگاه، جرم نتیجه به‌کارگیری قدرت توسط طبقات حاکم برای محدود کردن رفتار افراد است. در واقع، قدرت به تولید «سوژه بزهکار» می‌انجامد (Carrington, 1998: 20) این نظریه با رویکردی فراتحلیل، به بررسی ریشه‌های ساختاری، سیاسی و اجتماعی جرم می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، جرم به‌عنوان یک برساخت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که نتیجه قدرت سیاسی است و نه ذات رفتارها.

۱ - برای مطالعه بیشتر ر. ک: جاویدی، مجتبی (۱۳۹۵). ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم؛ با رویکرد روش‌شناسانه، نشریه معرفت فرهنگ اجتماعی، ش ۲۹، صص ۱۳۴-۱۱۵.

به باور مدافعان این نظریه، آنچه به عنوان جرم شناخته می‌شود، بازتاب روابط قدرت در جامعه است. همچنین در تعریف جرم نوعی چندصدایی و ابهام مشاهده می‌شود؛ زیرا جرم نه تنها محصول قوانین و نهادهای رسمی مانند پلیس و دادگاه است، بلکه تحت تأثیر نیروهای اجتماعی و سیاسی قرار دارد که قدرت را در اختیار گرفته‌اند در تحلیل جرم‌شناسی پست‌مدرن به جای یک تعریف قطعی و یک‌بعدی، چندین روایت متفاوت و گاه متعارض از جرم وجود دارد که؛ نشان‌دهنده پیچیدگی روابط قدرت است.

هنری و میلووانویچ، از پیشگامان جرم‌شناسی پست‌مدرن، بر این باورند که جرم در هر زمینه‌ای به عنوان ابزاری برای تحمیل درد و رنج عمل می‌کند. به اعتقاد آن‌ها، قانون خود به نوعی تولیدکننده جرم است؛ زیرا آسیب رساندن به افراد را در چارچوب روابط قدرت پنهان می‌کند و حقوق، جرم را از طریق اعمال قدرت خود بر دیگران نمایان می‌سازد. این موضوع به‌ویژه در مورد فعالیت‌های افرادی که اقداماتشان منجر به نقض آزادی دیگران نمی‌شود، صدق می‌کند؛ مانند جرم‌های اعتقادی و جرم‌های بدون بزه‌دیده (دکسردی، ۱۳۹۲: ص ۹۱) آنها بر اهمیت عنصر قدرت تأکید فراوانی دارند و جرم را به عنوان قدرتی می‌دانند که توانایی دیگران را برای ایجاد تغییر محدود می‌کند (Henry & Milovanovic, 1996: p 116).

بنابراین، جرم‌شناسی پست‌مدرن به عنوان یک رویکرد سیاسی و ایدئولوژیک به جرم نگریسته و محور مطالعات خود را فراتر از حقوق جزای موجود قرار می‌دهد. این رویکرد بر این باور است که جرم تنها یک رفتار ساده نقض قانون نیست، بلکه موضوعی است که از طریق فرآیندهای تعامل اجتماعی و واکنش‌های قدرت شکل می‌گیرد (والک لیت، ۱۳۸۶: ص ۱۴). با نگاهی به تاریخ بیهقی و حکایت «افشین و بودلف» می‌توان گفت؛ که بارقه‌هایی از این مدل جرم‌انگاری در زمان غزنویان دیده می‌شود. در این دوره نیز جرم مفهومی کاملاً سیاسی و اجتماعی داشته است به گونه‌ای که در ماجرا نقل شده است؛ که زمانی که نیمه شب احمد، ناخوانده به سرای معتصم رفته بود، معتصم به او گفت: «اینک

این سگ «ناخویشتن شناس نیم کافر» ابوالحسن افشین به حکم آن که خدمتی پسندیده کرد... (بیهقی، ۱۳۷۵: ص ۲۲۱). و باز در ادامه داستان از قول احمد گفته است؛ وقتی افشین درخواست وی را نپذیرفت؛ با خود گفتم: این چنین مرداری و «نیم کافری» به من چنین استخفاف می‌کند» (همان: ص ۲۲۳). و در پایان داستان که معتصم از احمد می‌پرسد که: «چرا پیامی که نداده بودم بگزاردی؟» و احمد دلیل آن را توضیح می‌دهد؛ راست همین بایست کردن که کردی و به خدای عزوجل سوگند خورم که افشین جان از من نبرد که وی «مسلمان نیست!» (همان: ص ۲۲۵). در این داستان افشین که به نوعی نماد نژاد ایرانی است؛ چند بار «نیم کافر» و حتی «نامسلمان» خوانده می‌شود. این مسأله نشان‌دهنده این است که فضای حاکم بر دوره معاصر بیهقی؛ بیانگر برچسب‌زنی مجرمانه است که از سوی هیأت حاکمه و صاحبان قدرت به افراد زده می‌شود.

از منظر پست‌مدرن، جرم در واقعیت وجود ندارد؛ بلکه این افراد با نفوذ و قدرت هستند که آن را شکل می‌دهند. فوکو، تحت تأثیر نیچه معتقد است؛ تمامی کنش‌های اجتماعی تجلی‌ای از رابطه قدرت است. به عقیده او، قدرت جزء جدایی‌ناپذیر هر رابطه اجتماعی است و اساساً نمی‌توان جامعه را بدون وجود رابطه قدرت تصور کرد (حقیقی، ۱۳۹۱: ص ۲۳۳).

میشل فوکو، یکی از بنیانگذاران جرم‌شناسی پست‌مدرن، بر این باور است که رفتارهای تفکیک‌کننده قانونی با ایجاد تمایز میان افراد و جداسازی آن‌ها بر اساس تفاوت‌هایی مانند به‌هنجار و نابه‌نجار، عاقل و دیوانه، مجاز و ممنوع، افراد را به ابره‌هایی (موضوعات و اهداف) تبدیل می‌کند. به این ترتیب، این رفتارهای تفکیک‌کننده موجب می‌شود که مردم به گروه‌هایی نظیر دیوانگان، زندانیان و بیماران روانی تقسیم شوند. این تقسیم‌بندی هویتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند که خود را در آینه آن می‌بینند و دیگران نیز به همین شیوه آن‌ها را درک می‌کنند (استنگرام و گاروی، ۱۳۸۹: ص ۱۵۳). کاربرد این روش در حکایت مذکور کاملاً نمایان است. برچسب‌زنی مجرمانه (نیم‌کافر - نامسلمان) نوعی هویت بزهکارانه برای افشین ایجاد می‌کند که خود یک برساخته ذهنی ناشی از قدرت حاکمه است.

## ۱-۲. جرم؛ برساخته گفتمان

یکی دیگر از مؤلفه‌های تبیین جرم از دیدگاه جرم‌شناسی پست‌مدرنیسم، «گفتمان» و «ذهنیت‌باوری» است. که تمرکز بر نقش زبان، روایت‌ها و گفتمان‌ها در شکل‌گیری مفهوم جرم دارد. گفتمان مجموعه‌ای از گفته‌هاست که زبانی را برای گفت و گو در موضوعی خاص فراهم و امکان برداشت از موضوعی خاص را ایجاد می‌کند (مرادی، ۱۴۰۲: ۱۴۵). مجموعه‌ای از سخن‌ها، روایت‌ها و زبان‌هایی که به شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی کمک می‌کنند. جرم‌شناسی پست‌مدرن معتقد است جرم، نه یک واقعیت عینی و ثابت، بلکه نتیجه گفتمان‌هایی است که توسط گروه‌های مختلف در جامعه شکل می‌گیرد. گفتمان‌ها به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت و کنترل اجتماعی عمل می‌کنند و مرز میان آنچه مجاز است و آنچه جرم تلقی می‌شود را مشخص می‌سازند

کانت با انتقاد از عینیت، برای نخستین بار مفهوم ذهنیت را مطرح می‌کند<sup>۱</sup>. ذهنیت در زمینه تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و از طریق گفتار و گفت و گو، مفهوم جرم را تعریف می‌کند (Henry, 2009: pp 300\_302). بر اساس این نگرش، زبان و واژگان باید به منظور دستیابی به معنای واقعی تحلیل شوند؛ آنچه وجود دارد، تنها روش‌های گوناگون بیان در مورد زندگی اجتماعی و تفسیر آن است (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۴۰۷). به عقیده ویتگنشتاین، تنها بازی‌های زبانی متنوعی وجود دارند که بر اساس آن‌ها به برخی پدیده‌ها معانی خاصی را با استفاده از واژگان و زبان نسبت می‌دهیم (Morrison, 1995:p 16). هرگاه یک زبان بر زبان دیگری تسلط یابد، بی‌عدالتی و ظلم به وجود می‌آید. نظام‌های زبانی معمولاً به نحوی طراحی می‌شوند که از گروه‌های خاصی حمایت کنند و در واقع به عنوان ابزاری برای به حاشیه راندن سایر گروه‌ها عمل می‌کنند.

---

۱ - اهمیت کانت در اندیشه پست‌مدرن از این‌جا نشأت می‌گیرد که هم برای نخستین بار و هم به‌صورت منسجم «گذار از عینیت به ذهنیت» را نظریه‌پردازی می‌کند. در واقع بسیاری از شارحین برجسته اندیشه پست‌مدرنیست، ذهنیت کانت را آغازمسیر شناخت‌شناسانه پست‌مدرن تلقی می‌کنند (ر. ک. هیکس، استیون (۱۳۹۱). تبیین پست‌مدرنیسم، شک‌گرایی و سوسیالیسم از روسو تا فوکو. ترجمه حسن پورسفر، تهران: انتشارات ققنوس، ص ۴۴)

در جرم‌شناسی پست‌مدرن، بر تأثیر و تسلط گفتمان و زبان تأکید می‌شود. این دیدگاه، علت جرم را به عنوان پدیده‌ای نهفته در سلطه زبانی و گفتمانی می‌بیند. بر این اساس ایجاد «گفتمان‌های جانشین»<sup>۱</sup>، می‌تواند تأثیر زبان‌های مسلط را خنثی کند. به این ترتیب، جایگزینی گفتمان‌های ناسالم با گفتمان‌های صلح‌طلب به عنوان یک راهکار مهم برای پیشگیری از جرم مطرح می‌شود (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ص ۴۱۰).

در حکایت «افشین و بودلف» خواننده شخصیت‌های متنوعی آشنا می‌شود که در طول روایت با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند. ایده اصلی این داستان به بررسی این موضوع می‌پردازد که گاهی اوقات گفتن دروغی که به نفع دیگران است و از بروز فتنه‌ای جلوگیری می‌کند، بهتر از بیان حقیقتی است که ممکن است به خونریزی یا ظلم منجر شود. در این داستان، احمد به وضوح بیان می‌کند: «از بهر این آزادمرد بودلف، خطری بکنم هرچه بادا بادا! و روا دارم که این بکرده باشم که به من هر بلایی رسد» (بیهقی، ۱۳۷۵: ص ۲۲۳). اساساً بیهقی داستان «افشین و بودلف» را در تأیید همین نکته بیان می‌کند. در گفت و گوی احمد و معتصم؛ «معتصم گفت: یا اباعبدالله! چون روا داشتی پیغام نداده گزاردن؟»؛ گفتم: «یا امیرالمؤمنین! خون مسلمانی ریختن نپسندیدم و مرا مزد باشد و ایزد تعالی بدین دروغم نگیرد و چند آیت قرآن و اخبار پیغامبر علیه السلام بیاوردم. بخندید و گفت: «راست همین بایست کردن که کردی»..» (بیهقی، ۱۳۷۵: ص ۲۲۵).

بیهقی با برخی نشان‌گان زبانی؛ مخاطب را به تحلیل و بازیابی نکات و گره‌های کور تاریخ فرا می‌خواند و تأکید می‌کند که استفاده از گفتمان‌های جایگزین صلح‌جویانه از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از بزهکاری است.

۲- علت شناسی جنایی در حکایت افشین و بودلف از دیدگاه جرم‌شناسان پست

مدرن

در تفکر پست‌مدرنیستی، علت‌شناسی جرایم از طریق بررسی جزئیات و ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی هر فرد و شرایط تربیتی، خانوادگی و جغرافیایی موضوعیت ندارد؛ بلکه تأکید می‌کند که علت‌ها در زمینه‌های متنوع اجتماعی و فرهنگی بازتولید و بازتفسیر می‌شوند. مجموعه‌ای از عوامل و گفتمان‌ها است که در تعامل با هم به شکل‌گیری جرم کمک می‌کنند (Levy, 1994: 169). به عبارت دیگر جرم‌شناسی پست‌مدرن در تحلیل چرایی ارتکاب جرم قائل به پیچیده بودن روابط اجتماعی و انسانی است. این رویکرد، علل جرم را ناشی از تبعیض‌های اجتماعی و فرهنگی می‌داند و جرایم را به دو دسته «جرایم تقلیل دهنده»<sup>۱</sup> و «جرایم سرکوب کننده»<sup>۲</sup> تقسیم می‌کند.

**جرایم تقلیل دهنده** زمانی رخ می‌دهد که افراد به دلیل کیفیتی که دارند، دچار آسیب می‌شوند. این آسیب می‌تواند ناشی از سرقت اموال آن‌ها باشد یا به خاطر جرایم مبتنی بر نفرت، شان و منزلت آن‌ها خدشه‌دار شود. در این زمینه، جرم به عنوان یک واقعیت روانی و اجتماعی وجود دارد و قبل از آنکه توسط حقوق جزا به عنوان عمل مجرمانه شناخته شود، وجود داشته است (گسن، ۱۳۷۹: ص ۷۳).

**جرایم سرکوب کننده** زمانی اتفاق می‌افتد که افراد با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند یا از دسترسی به موقعیت‌های مورد نظرشان محروم می‌گردند. این افراد ممکن است به دلیل تبعیض نژادی یا جنسیتی نتوانند به اهداف شغلی خود دست یابند (Henry, & Milovanovic, 1996: p 59)

به نظر پست‌مدرنیست‌ها، هنگامی که طبقه‌گرایی و تبعیض نژادی به صورت نهادینه در می‌آیند، به ساختارهای اجتماعی تبدیل شده و به تاریخ‌های اجتماعی و اولویت‌های موجود تبدیل می‌شوند. در این راستا، نهادهای دولتی سیاست‌ها و اقداماتی را برای ایجاد تبعیض‌های میان فردی فراهم می‌کنند و از طریق این فرآیندهای نهادینه‌سازی، روابط

---

1 - Crimes Of Reduction

2 - Crimes Of Repression

سلطه به یک اهمیت ساختاری دست می‌یابد (Scarton & Chadwick, 1991: p 168).

یکی از موضوعاتی که در تاریخ بیهقی به آن تأکید شده، مسأله تبعیض نژادی و برتری عرب بر عجم و همچنین رویکرد عجم‌ستیزی است. این موضوع به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از زبان شخصیت‌های داستان «افشین و بودلف» بیان می‌شود. تقابل اصلی داستان بر محور شخصیت افشین (سردار ایرانی دربار معتصم) در برابر بودلف (سردار عرب دربار معتصم) است.

انگیزه و دلیل اصلی دشمنی بودلف با افشین و سپس احمد بن ابی دؤاد و معتصم با افشین، که در نهایت به تصمیم افشین برای کشتن بودلف و در پی آن به مرگ افشین انجامید، به تفاوت‌های ملیتی و قومیتی میان نژاد ایرانی و عربی برمی‌گردد. این موضوع به‌طور پراکنده چندین بار، به ویژه در سخنان احمد بن ابی دؤاد، به چشم می‌خورد (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۳).

معتصم و احمد بن ابی دؤاد دو شخصیت کلیدی در این داستان هستند. به ویژه احمد که راوی روایت است و به نظر می‌رسد با افشین اختلافات عمیقی دارد. او بارها بر موضع ضد عجم خود تأکید می‌کند و در گفتگوهایش به حمایت از عرب و برتری آن نسبت به عجم اشاره می‌نماید: «فرا ایستادم و از طرزی دیگر سخن پیوستم، ستودن عجم را که این مردک از ایشان بود \_ و از زمین اسروشنه بود \_ و عجم را شرف بر عرب نهادم؛ هر چند که دانستم که اندر آن، بزه بزرگ است. و لکن از بهر بودلف، تا خون وی ریخته نشود ...» (بیهقی، ۱۳۷۵: ص ۲۲۳).

یا در جایی دیگر احمد خطاب به معتصم: «گفتم: بودلف بنده خداوند است و سوار عرب است ... و مقرر است که وی در ولایت جبال چه کرد و چند اثر نمود و جانی در خطر نهاد تا قرار گرفت (همان، ص ۲۲۱). همچنین در گفت و گوی معتصم و افشین: «معتصم گفت: پیغام من است ... و آن گاه آزرده کردن بو عبدالله از همه زشت تر بود و لکن

هر کسی آن کند که از اصل و گوهری سزد و عجم، عرب را چون دوست دارد، با آن چه بدیشان رسیده است از شمشیر و نیزه ایشان؟ باز گرد و پس از این هوشیارتر و خویشتن دار باش» (همان:ص ۲۲۵).

### نتیجه گیری

هسته مرکزی جرم‌شناسی پست‌مدرن، بر این اصل استوار است که جرم و نظام کنترل آن قابل تفکیک از کلیت زمینه‌های فرهنگی و ساختاری شکل‌گرفته تحت تأثیر قدرت و گفتمان حاکم نیست. این جرم‌شناسی نوین با استفاده از تحلیل‌های چندلایه به بررسی روابط پیچیده اجتماعی می‌پردازد. بر این اساس پیشگیری واقعی از بزهکاری زمانی حاصل می‌شود که با عوامل اصلی و ساختاری بزهکاری<sup>۱</sup> یعنی نژادپرستی و تبعیض‌های قومی، استثمار و استعمار مقابله شود و روابط نابرابر قدرت از بین برود. با بررسی حکایت «افشین و بودلف» می‌توان به جنبه‌هایی از جرم‌شناسی پست‌مدرن و تأکید بر انگاره‌های «قدرت» و «گفتمان‌های مصلحت‌آمیز» دست یافت. جرم‌شناسی پست‌مدرن، به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی، بر این باور است که نمی‌توان جرم و علل آن را از کل جامعه جدا کرد. از منظر این نوع جرم‌شناسی، جرم به عنوان یک پدیده ساختاری شناخته می‌شود و مجرم به عنوان یک «سرمایه‌گذار افراطی»<sup>۱</sup> است که نیروی خود را برای تسلط بر دیگران صرف می‌کند. این نگرش به پیشگیری، استفاده از سازوکارهای کیفی را نادرست می‌داند و بر این باور است که پیشگیری واقعی از بزهکاری تنها زمانی محقق می‌شود که با عوامل اصلی و ساختاری آن، از جمله نژادپرستی، تبعیض‌های قومی، استثمار و استعمار، مقابله شود و روابط نابرابر قدرت از میان برداشته شود.

توجه به مؤلفه های جرم‌شناسی به‌ویژه جرم‌شناسی پسامدرن در متون ادبی \_ تاریخی و ارزیابی نگرش و جهان‌بینی ادیبان و مورخان از اهمیت بسزایی برخوردار است. از دیدگاه آنها جرم قابل تعریف است و قدرت و گفتمان‌های زبانی به کارگیری آن را علیه افراد ممکن می‌سازد. همچنین جرم لزوماً در عالم واقعیت وجود ندارد؛ بلکه این افراد صاحب نفوذ و قدرتمند هستند که آن را برمی‌سازند. اما باید دانست که پیوسته امکان برساخت زدایی از آنها وجود دارد.

به طور کلی باید گفت؛ اگرچه تحول در مفهوم جرم و علت‌شناسی آن در اندیشه پست-مدرن گفتمان جرم‌شناختی را تا حدی متأثر ساخته‌است و موجب گشوده شدن محورهای مطالعاتی جدید در حقوق کیفری شده‌است؛ اما ارزیابی کیفیت و آثار این تحول به ویژه در عرصه حقوق کیفری هنوز میسر نیست و نیازمند گذشت زمان است.

پایان یافته | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Under Review

## منابع و مأخذ

۱. استنگروم، ج. و گاروی، ج. (۱۳۸۹). *فیلسوفان بزرگ از سقراط تا فوکو*. ترجمه ا. توکلی شاندیز، تهران: پارسه.
۲. بیهقی، ا. (۱۳۷۵). *تاریخ بیهقی*. به کوشش خ. خطیب رهبر، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مهتاب.
۳. جاویدی، م. (۱۳۹۵). ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم؛ با رویکرد روش‌شناسانه، معرفت فرهنگ اجتماعی، ۲۹، ۱۱۵-۱۳۴.
۴. حسام پور، س. (۱۳۹۰). مقایسه شگردهای داستانی در روایت بیهقی و تنوخی از ماجرای افشین و بودلف، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوه‌رگویا)، ۱۷، ۴۴-۱۷.
۵. حقیقی، ش. (۱۳۹۱). *گذار از مدرنیته، نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا*. تهران: آگه.
۶. دکسردی، و. اس. (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی انتقادی معاصر*. ترجمه م. رایجیان اصلی و ح. ر. دانش ناری، تهران: دادگستر.
۷. رشیدیان، ع. (۱۳۹۴). *فرهنگ پسامدرن*. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۸. رضی، ا. (۱۳۸۲). *داستان‌وارگی تاریخ بیهقی*. نامه فرهنگستان، ۳، ۱۹-۶.
۹. ----- (۱۳۸۷). *بیهقی پژوهی در ایران*. چاپ اول، رشت: حق‌شناس.
۱۰. روسنائو، پ. م. (۱۳۸۱). *پست‌مدرنیسم و علوم اجتماعی: دیدگاه‌ها، راهبردها و موانع*. ترجمه محمدحسین کاظم‌زاده، تهران: آتیه.
۱۱. صادقی، محمدمهدی (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی نقش ایدئولوژی‌های سیاسی در تحول مفهومی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها با درتگی به نظام حقوقی ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۸ (۲۶)، ۱۶۶-  
10.22034/law.2024.2037338.1431doi: ۱۳۴
۱۲. طبری، م. (۱۳۶۹). *تاریخ الرسل و الملوک*. ترجمه ا. پاینده، تهران: اساطیر.
۱۳. کرمی، م. ح. (۱۳۸۹). *بررسی تحلیلی حکایت‌های تاریخ بیهقی*، مشهد: به‌نشر.
۱۴. گسن، ر. (۱۳۷۹). *آیا جرم وجود دارد؟*. ترجمه ع. ح. نجفی ابرندآبادی، تحقیقات حقوقی، ۲۹ و ۳۰، ۱۰۲-۶۱.

۱۵. مرادی، امیر (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی کیفی بودن مقررات کیفری با نگاهی به حقوق ایران و دانش‌های اخلاق، ادبیات و زبان‌شناسی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶ (۲۱)، ۱۳۹-۱۸۶. doi: 10.22034/law.2024.2001199.1273
۱۶. نجفی ابرندآبادی، ع.ح. (۱۳۸۱). جرم‌شناسی (پیشگیری از جرم). جزوه درسی مجتمع آموزش عالی قم.
۱۷. والک لیت، س. (۱۳۸۶). شناخت جرم‌شناسی. ترجمه ح.ر. ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۸. وایت، ر. و هینزف. (۱۳۹۲). جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه ع. سلیمی، چاپ پنجم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. همایون کاتوزیان، م.ع. (۱۳۸۷). جامعه کوتاه مدت. ترجمه ع. کوثری، بخارا، ۳۸، ۳۷۰-۲۹۲.
۲۰. همتی‌فارسانی، ر. (۱۳۹۳). تحلیل قدرت در تاریخ بیهقی با رویکرد حقوقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهر کرد.
۲۱. هیکس، اس. (۱۳۹۱). تبیین پست‌مدرنیسم، شک‌گرایی و سوسیالیسم از روسو تا فوکو. ترجمه ح. پورسفیر، تهران: ققنوس.

## References

- Bak, A. (1999). Constitutive Criminology: An introduction to the Core Concepts, in: Constitutive Criminology At work Application to Crime and Justice (eds), Henry, Stuart Milovanovic, Dragan, Published by State University of New York Press.
- Bayhaqi, A. (1996). History Bayhaqi. By Khatib Rahbar, Vol 1, Fifth Edition, Tehran: Mahtab Publications. (In Persian).
- Carrington, K. (1998). Postmodernism and Feminist Criminology: Fragmenting The Criminological subject in the New Criminology Revisited Wolton, P & Young J (eds), London: Macmillan.
- DeKeseredy, W. s. (2013). Contemporary critical Criminology. Translated by Rayjian Asli, M. & Danesh Nari, H. R. Tehran: Dadgostar. (In Persian).

- Druzin, B. (2012). Finding in a Postmodern Conception of law, *ostmodern opening*, 3(1), 41-56.
- Gessen, R. (1990). Does crime exist?. Translated by Najafi-Abranabadi, A.H. *Legal Research*, No 29-30, 102-61. (In Persian).
- Haghighi, Sh. (2012). *Transition from Modernity, Nietzsche, Foucault, Lyotard, Derrida*. Tehran: Agah. (In Persian).
- Hemti-Farsani, R. (2014). *Power Analysis in Bayhaqi History with a Legal Approach*. Master's Thesis, Shahr-e-Kord University. (In Persian).
- Henry, S. (2009). *Social Constitution of Crime in 21<sup>st</sup> Century Criminology*, edition by J. Mitchel Miller. Sage: 296-304.
- Henry, S. & Milovanovic, D. (1996). *Constitutive Criminology*, Stage Publication.
- Hesampour, S. (2011). Comparison of narrative techniques in Bayhaqi and Tanukhi's narration of the Afshin and Boudalaf story, *Journal of Persian Language and Literature (Gohar Goya)*, Vol 17, 17-44. (In Persian).
- Hicks, S. (2012). *Explaining Postmodernism, Skepticism, and Socialism from Rousseau to Foucault*. Translated by H. Poursafir, Tehran: Ghoghous. (In Persian).
- Homayoun Katouzian, M.A. (2008). *Short-Term Society*. Translated by Kosari, A. Bokhara, No 38, 370-292. (In Persian).
- Javidi, M. (2016). The nature of crime from Durkeim's perspective; with a methodological approach, *Social Culture Knowledge*, Vol 29, 115-134. (In Persian).
- Karami, M.H. (2010). *Analytical study of the stories of Bayhaqi history*, Mashhad: Beh-Nashr. (In Persian).
- Lanier, M.M & Henry, S. (2004). *Essential Criminology*, 2<sup>nd</sup> Ed, Boulder, Co: West view Press.
- Levy, D(1994). *Chaos Theory and Strategy: Theory, Application and Managerial Implication*, *Strategic Management Journal*, Vol 15, 167-178.

- Longstreet, W.S. (2003). Postmodernism in Social education: Revisiting, Decision making: The Heart of Social Studies, No 94, 11-15.
- Mclaughlin, E. & Muncie, J. (2001). The Sage Dictionary of Criminology, Sage Publication.
- Moradi, A. (2023). Comparative study of the qualitative nature of criminal regulations with a view to Iranian law and the sciences of ethics, literature and linguistics. Journal of Research and Development in Comparative Law, 6 (21), 139-186. doi: 10.22034/law.2024.2001199.1273. (In Persian).
- Morrison, W. (1995). Theoretical Criminology: From Modernity to Postmodernism, Cavendish Publishing Limited, Routledge, Cavendish.
- Muncie, J. (2004). Youth & Crime, Sage Publication.
- Najafi-Abbrandabadi, A.H. (2002). Criminology (Crime Prevention). Textbook of Qom Higher Education Complex. (In Persian).
- Rashidian, A. (2015). Postmodern Culture. 2<sup>nd</sup> Ed, Tehran: Ney Publication. (In Persian).
- Razi, A. (2003). The Fictionalization of Bayhaqi History. Nameh Farhangestan, Vol 3, 19-6. (In Persian).
- Razi, A. (2008). Bayhaqi Studies in Iran. 1<sup>st</sup> Ed, Rasht: Haghshenas. (In Persian).
- Russnau, P. M. (2002). Postmodernism and the Social Sciences: Perspectives, Strategies and Obstacles. Translated by Kazemzadeh, M. H. Tehran: Atiyeh. (In Persian).
- Sadeghi, M. M. (2025). Comparative analysis of the role of political ideologies in the conceptual evolution of the principle of legality of crimes and punishments in relation to the Iranian legal system, Journal of Research and Development in Comparative Law, 8(26)m 134-166. doi: 10.22034/law.2024.2037338.1431. (In Persian).
- Scarton, P. & Chadwick, K. (1991). The Theoretical and Political Priorities of Critical Criminology in K. Stenson and D. Cowell (eds), The Politics of Crime Control, London: Sage.

- Stengrum, J. & Garvey, J. (2010). Great Philosophers from Socrates to Foucault. Translated by Tavakoli Shandiz, A. Tehran: Parse. (In Persian).
- Tabari, M. (1990). Tarik Al-Rosol & Al-Muluk. Translated by Payandeh, A. Tehran: Asatir. (In Persian).
- Walk-Lit, S. (2007). Understanding Criminology. Translated by. Malek-Mohammadi, H.R 1<sup>st</sup> Ed, Tehran: Mizan. (In Persian).
- Wite, R. & Hines, F. (2013). Crime and Criminology: A Textbook of Crime and Delinquency Theories, translated by A. Salimi, 5<sup>th</sup> Ed, Tehran: Research Institute and University(In Persian).

پدیدارفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

---